

نقشه راه اقتصادی کشور: توسعه صنایع استراتژیک و فناوری‌های نوین

در دنیای صنعتی امروزی همه چیز بر پایه اقتصاد می‌چرخد و می‌توان گفت جنبه اقتصادی و مالی مسائل تا حدودی پررنگ‌تر از زوایای دیگر شده است. در واقع هر کسی اگر مسئولیت یا کاری را به عهده می‌گیرد در قبال آن انتظار دریافت حق‌الزحمه‌ای را دارد تا به سبب آن بتواند گذران زندگی کند. این پررنگ شدن و اهمیت پیدا کردن تا جایی است که اگر کسی بی‌چشمداشت کاری را انجام دهد یا تعجب دیگران روبه‌رو خواهد شد، البته در میان این همه آدم‌هایی که اهل حساب و کتاب‌اند و برای هر چیزی چرتکه می‌اندازند تا به صرفه باشند عده‌ای در سازمان‌های مردم‌نهاد یا جمعیت هلال‌احمر و صلیب‌سرخ و ... بی‌هیچ انتظاری و تنها به پشتوانه حسن نועدوستی فعالیت می‌کنند. کارهایی عام‌المنفعه‌ای که شاید خیلی وقت‌ها کسی از آنها اطلاع نداشته باشد. شاید تاکنون کارهایی از این دست که ما به آنها کارهای داوطلبانه اطلاق می‌کنیم از زوایای مختلف بررسی شده باشند و اخبار، گزارش و مصاحبه‌های زیادی از این افراد که تجربه لذت حس انساندوستی را با هیچ لذتی عوض نمی‌کنند، منتشر شده باشند اما نکته‌ای که تاکنون مغفول مانده این است که اگر این افراد نبودند دولت‌ها و جوامع باید برای هر یک از این خدمات چه میزان هزینه می‌کردند؟ به‌عنوان مثال جامعه‌ای را متصور باشید که داوطلب امدادرسان ندارد، دولت این جامعه خیلی ما باید چه میزان برای استخدام افرادی که توانایی چنین کاری را داشته باشند هزینه کند؟ اگر در این جامعه موسسه‌ای مثل محک، سمن‌های گوناگون و... نبودند چه میزان هزینه انسانی و مالی باید صرف می‌شد تا خدماتی از این دست ارائه کنند؛ خدماتی که دلسوزانه اجرائی می‌شوند نه‌تنها برای رفع تکلیف؛ آیا دولت این جامعه تخیلی ما از عهده چنین هزینه‌هایی برمی‌آید و توانایی این را دارد که بتوانند چنین وظایف خطیری را در شرایط و حوزه‌های مختلف مدیریت کنند؟! و اما اگر داوطلبان نبودند اصلا چنین فعالیت‌ها و خدمات انسان‌دوستانه‌ای اجرائی می‌شد؟

تعریف کار داوطلبی

در سال ۱۹۹۶ طی مقاله‌ای ۲۰۰ تعریف مختلف از اصطلاح داوطلب مرور شد و چارچوبی برای تعریف داوطلبی تهیه‌در این‌چارچوب ۴ بعد برای تعریف داوطلبی در نظر گرفته شده است نخستین بعد، انتخاب آزاد استند به این معنایی که داوطلب آزادانه و بدون اجبار در فعالیت خاصی مشارکت می‌کند، البته برخی تعاریف داوطلبی با آزادی نسبی و همچنین تعهد به داوطلبی را نیز گنجانده‌اند بعد دوم در خصوص پاداش داوطلبان است. با توجه به تعاریف داوطلبی، داوطلبی باید باشا گذر، البته در تعاریف گسترده‌تری داوطلبی می‌تواند پاداش بگیرد ولی نباید انتظار دریافت پاداش را داشته باشد.

بهره‌های اجتماعی داوطلبان

داوطلبان با مشارکت خود در فعالیت‌های اجتماعی، به جامعه‌ها و سازمان‌ها و به نفع دیگران و به نفع خود و به نفع دیگران، خدمات ارزشمندی را ارائه می‌دهند. در اینجا به برخی از این خدمات اشاره می‌کنیم:

1. بهبود شرایط زندگی: داوطلبان در زمینه‌های مختلفی مانند کمک به کودکان در معرض خطر، آموزش کودکان کم‌سواد، کمک به سالمندان، و آموزش مهارت‌های زندگی به افراد نیازمند، نقش‌های مهمی ایفا می‌کنند. این خدمات به بهبود کیفیت زندگی و رفاهیت افراد کمک می‌کند.

2. تقویت روحیه همبستگی و همکاری: داوطلبان با شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، روحیه همبستگی و همکاری را تقویت می‌کنند. این تجربه می‌تواند به تقویت روحیه کار تیمی و مسئولیت‌پذیری در سایر زمینه‌های زندگی منتهی شود.

3. آشنایی با جامعه و مسائل اجتماعی: داوطلبان با مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، آشنایی بیشتری با مسائل و مشکلات جامعه پیدا می‌کنند. این آشنایی می‌تواند به افزایش آگاهی و مشارکت در فرآیندهای توسعه اجتماعی کمک کند.

4. تقویت مهارت‌های فردی: داوطلبان در حین انجام فعالیت‌های اجتماعی، مهارت‌های مختلفی مانند مدیریت، ارتباطات، حل مسئله، و همکاری را تقویت می‌کنند. این مهارت‌ها می‌تواند به موفقیت در محیط‌های کاری و تحصیلی کمک کند.

5. تقویت سلامت روان: داوطلبان با مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، احساس هدفمندی و ارزشمندی را تجربه می‌کنند. این تجربه می‌تواند به تقویت سلامت روان و کاهش اضطراب و افسردگی کمک کند.

6. تقویت اعتماد اجتماعی: داوطلبان با انجام کارهای خیر، اعتماد اجتماعی را تقویت می‌کنند. این اعتماد می‌تواند به کاهش شکاف‌های اجتماعی و افزایش انسجام اجتماعی کمک کند.

بهره‌های اجتماعی داوطلبان در ایران

یکی از ویژگی‌های بارز جامعه ایران که باید به آن بالید وجود جوانانی است که داوطلبانه حوزه‌های را برگزیده‌اند و ایده‌های خلاق خود را در آن اجرائی می‌کنند تا به سبب آن شرایط زندگی را برای هموعان و حتی گیاهان و حیوانات فراهم آورند. ویژگی‌ای که باعث شده ما با خیل عظیمی از سمن‌ها با عنایون گوناگون روبه‌رو باشیم. سازمان‌هایی که از طریق آنها برنامه‌های داوطلبانه کثیری اجرائی می‌شوند؛ فعالیت‌هایی که به جرأت می‌توان گفت معادل بخش بزرگی از فعالیت‌هایی است که توسط کارکنان دستگاه‌های دولتی انجام می‌شوند. اما جای بسی تأسف است که در اقتصاد جهانی، تأثیر فعالیت‌های داوطلبانه بر تولید ملی نادیده گرفته می‌شود و این نادیده گرفته شدن به محاسبه نشدن معادل پولی و مالی این دستت از فعالیت‌ها برمی‌گردد. در واقع پاسخ به این سوال از اهم مسائل است و بسیاری از واقعیت‌ها را آشکار می‌کند، این‌که ارزش اقتصادی داوطلبی که برای امدادرسانی می‌رود

جان

نگاهی به ارزش اقتصادی مغفول مانده فعالیت جوانان داوطلب

پیدای ناپیدا

◀ جوانانی که صرفه اقتصادی فعالیت بی‌ادعایشان دیده نمی‌شود

|حامد صدیقی | معاون امور جوانان هلال‌احمر استان یزد



عکس: مهیج حسینی شاهرود

داوطلبانه مشارکت جوانان داوطلب سراسر کشور در طرح‌های نوروزی است؛ در قالب طرح ملی ایمنی و سلامت مسافران نوروزی در واقع این طرح‌ها باعث کاهش تصادفات می‌شوند و در نهایت از هزینه‌های جاسی، مصدومیت، هزینه‌های بیمه و دیگر هزینه‌هایی که به اقتصاد تحمیل می‌شوند می‌کاهد. اما این حال وجود دارند و تأثیر خود را می‌گذرانند، هزینه‌ای که به دلیل بی‌سرپرست شدن خانواده‌ای به بار می‌آید و در پی آن مانوع آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن را داریم.

ارزش اقتصادی داوطلبی در صلیب‌سرخ و هلال‌احمر

سرمایه اصلی جنبش جهانی صلیب‌سرخ و هلال‌احمر داوطلبان هستند و به واقع می‌توان گفت بدون داوطلبان این دو نهاد نمی‌توانستند خدماتی در این وسعت در سطح جهانی ارائه کنند؛ خدماتی که رنگ و نواد و مذهب و مرز نمی‌شناسد و تنها دلیل موجه خود را انسانیت و صلح دوستی قرار داده است.

نگاه

جان امروزی کار تیمی را نیاموخته!

|اردشیر گراوند | جامعه‌شناس|

که یکی از مهم‌ترین آثار عدم توسعه در ابعاد مختلف آن است. در واقع جوامعی که در پی توسعه هستند باید به کار تیمی و زیرساخت‌های اولیه آن که همان فرهنگ‌سازی است، بها ببندند. در جوامعی که در این حوزه در آنها کاستی‌هایی به چشم می‌خورد، افراد، انبیاست یا ارزش‌افزوده‌ای در زندگی‌شان ندارند. شاید برخی کم‌رنگ بودن فرهنگ کار تیمی در میان جوانان را به عدم پشتکار این کشور ارتباط دهند اما مسأله این نیست. در واقع جوان امروزی، نیاموخته به صورت تیمی کار کند؛ کسانی هم که شاغل هستند با تجربه و آموزش و خطا آموخته‌اند که حضور با دیگران در یک گروه کار کنند. جوان امروزی کار گروهی را تمرین نکرده و با ضرورت‌ها و منافع آن آشنا نیست و شاید برای همین، گرایش به کار تیمی ندارد.

به نظر می‌رسد نظام آموزشی می‌تواند با شفاف‌سازی ضرورت‌ها و منافع کار گروهی، این مقله را به جامعه بیاموزد، البته در دوره جوانی که زمان ورود به جامعه و برعهده گرفتن مسئولیت است این مهارت باید نهادهی شده باشد. اما اگر در این زمینه کوتاهی شده باشد، وظیفه نظام اجتماعی، سازمان‌فنی و حرفه‌ای، سازمان‌های اجتماعی، سازمان بهزیستی، کمیته امداد و دانشگاه‌است که این کاستی را پوشش دهند تا جوانان بتوانند خود را به اعتقاد من فارغ‌التحصیلان دانشگاهی باید طی دو ترم کار و حرفه‌ای رایباموزند.

نبود این دوره آموزشی آسیب‌های زیادی را در ابعاد مختلف در پی دارد. یکی از موانع بزرگی که سسر راه کارهای تیمی در ایران وجود دارند این است که افراد منافع کار تیمی را نمی‌بینند، البته بزرگ بودن دولت نیز یکی دیگر از موانع است؛ دولت تلاش دارد تمام کارها را خود به تنهایی انجام دهد مانند مادری که سعی دارد تمام کارها و مسئولیت‌های خانواده را به تنهایی به دوش بکشد و در این راه، هم خود را آزار می‌دهد و هم بقیه را تنبل بار می‌آورد. راه‌حل از بین رفتن این مانع، کوچک شدن دولت و واگذاری کارها به خود مردم است.

شهروند ۱۳

یکشنبه ۶ تیر ۱۳۹۵ | سال چهارم | شماره ۸۸۱